

نوسازی و دگرگونی سیاسی

- 1
- 2
- 3 توسعه‌ی سیاسی مفهوم کلیدی این کلاس است. البته نمی‌توانیم توسعه‌ی سیاسی را احدا
- 4 از سایر جنبه‌های توسعه در نظر گرفت. مجموعه‌ی توسعه‌ها را توسعه‌ی ملی می‌گویند.
- 5 واقعیت این است که تمام جنبه‌های توسعه به هم ربط دارند. در باره‌ی تقدم یک جنبه بر سایر
- 6 بحث وجود دارد. تنها چیزی که می‌توان با قاطعیت گفت همین ارتباط بین جنبه‌های مختلف
- 7 توسعه است.
- 8 توسعه معادل development است. این واژه در انگلیسی به معنی حرکت رو به جلوییست
- 9 بلکه به معنی رخ دادن چیزهای نو به کار می‌رود.
- 10 در سال‌های اخیر تأکید بر بومی‌سازی توسعه شده است. به شرف مفهوم است که معادل
- 11 بومی توسعه شناخته می‌شود.
- 12 مفهوم توسعه‌ی سیاسی از اوایل قرن ۲۰ وارد حوزه‌ی آکادمیک شد. منظور کلی از
- 13 این مفهوم این است که ما نیازمند ساختارها و نهادها و سیستم‌هایی هستیم که بتوانند از عهده‌ی
- 14 تغییر و تحولات جامعه و اداره‌ی آنها برآیند. امروزه تغییر و تحولات از ساختارها و ابتدای
- 15 به سمت پیچیده‌تر شدن آنها مشهود است. این تغییرات مستلزم تغییرات در همه‌ی
- 16 ساختارها و یک ملت است (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) این تغییرات شامل تغییرات
- 17 در مفاهیم علوم اجتماعی نیز هست. یا مفهوم معنای جدیدی می‌یابد یا اینکه واژه یا مفهوم جدیدی
- 18 وضع می‌شود. ره‌گذر اندیشیدن درباره‌ی مسائل اجتماعی نیز همین مراجع هستند. لذا وقتی درباره‌ی
- 19 توسعه‌ی سیاسی صحبت می‌کنیم لزوماً وحدت نظر روی این مفهوم وجود ندارد.
- 20 «منهج مشترک تعاریف از توسعه‌ی سیاسی»
- 21 اگر دو جامعه را داشته باشیم با قاطعیت می‌توان گفت کدامیک توسعه یافته‌تر است؟
- 22 تفاوت تعاریف بدی گردد به تفاوت در ریشه‌های تئوریک آنها. به طریقی مثال دومکتب
- 23 نوسازی و واسطگی در این زمینه اندیشیده‌اند و کار کرده‌اند. نوسازی روی
- 24 توسعه و مدیریت استوار تمرکز کرد و واسطگی روی کم توسعه یافتگی و عوامل آن تمرکز کرد.

روش‌های علمی توسعه

این مفهوم در سده‌های غرب با ترقی و تجدد (modernity + progress) ارتباط و تریکی دارد. در قرن نوزدهم، چهره‌های اندیشه غرب آغشته به رنگ نگاه توسعه‌ای شد. قبل از دگرگونی‌های اجتماعی را چرخشی و دورانی می‌دیدند اما در اروپای پس از روشنگری با توجهی به رشد جنبه‌های علمی و قرونی ثروت جوامع ایده‌ی ترقی‌جوی خود را باز کرد. در این دوره همه خوشبین هستند به تکنولوژی و صنعت نگاه خاص خوشبینانه وجود دارد. این امید به وجود آمد که بشر بتواند بر تقدیر و طبیعت غلبه کند یعنی دیگر چیزی جلودار نیست. اندیشه‌ی ترقی مرتبط است با کمال. در فرهنگ مسیحی مفهوم perfectability (کمال) وجود دارد که نقطه در خداوند وجود دارد. حال انسان به خود این حرکات را می‌دارد تا به فکر دست یافتن به آن نقطه بپردازد.

ترقی = حرکتی مستقیم از شرایط اجتماعی نامطلوب به سمت شرایط مطلوب

دانشندان قرن ۱۹ با دیدن تحولات و ایجاد عوامل بین خودشان و غیراروپایی‌ها شروع کردند به مقایسه کردن و خودشان را بالاتر می‌دیدند. از این رو دو مفهوم

modern, tradition را سر بزرگ خود و دیگران قرار دادند و منبع شایسته دوگانگی

بنت و مدرنیته. از این رو هر نوع گزار از ساختارهای سنتی به سمت ساختارهای

مدرن بیانگر توسعه است. کم کم این روند رسید به پرورش اروپا پذیری و

نگاه‌های بزرگ یعنی در نتیجه اروپایی‌ها گشتند جوامع برای پیشرفت باید شبیه ما باشند.

* مفروضات جامعه‌ی سنتی در تقابل اروپایی:

- ۱- مقاومت در برابر تغییر
- ۲- شیوه‌های تولید قدیمی
- ۳- ساختارهای طبقاتی کم بارها
- ۴- خشک مذهبی
- ۵- عدم سازگاری روحیات مردم با نوآوری
- ۶- نظام‌های سیاسی

اقتدارگرا

جامعه مدرن

- ۱- یو یایی
- ۲- شیوه‌های تولید پیشرفته
- ۳- ساختارهای انعطاف پذیر اجتماعی
- ۴- نظام‌های فکری عقلانی
- ۵- فناوری زیاد
- ۶- نظام سیاسی دموکراتیک

اندیشه ها و آثار دانشمندان غربی آکنده از رسته های تکامل گرایی است.
مثلاً مارکس معتقد به شرف جهان همگام با شرفت در ابزار تولید است.
یا وبر معتقد به روند روبه رشد جهان بر اساس روند روبه رشد عقلانیت
است.

مفاهیم توسعه در آمریکا از آنهایی آغاز شد که آمریکای غربی رقابت بر سر جذب
کشورهای در حال توسعه بود و با شروع جنگ سرد.

توسعه سیاسی و

پس از شروع شدن استعمار قدیمی درسی و استقلال یافتن برخی کشورهای جدید، این کشورها
دچار بی ثباتی های داخلی شدند. در این دوره رقابت جدی بین شوروی و آمریکا هم شروع
شده بود و طبعاً این دو بزرگ به فکر یارگیری افتادند. پس این فکر در ذهن آمریکا و شوروی
پرورش یافت. در آمریکا کمیت های تشکیل شده نام کمیت سیاست علمی تصقی وابسته به
شوازی پژوهشی علوم اجتماعی. این کمیت از سرنشانان حوزه علوم سیاسی تشکیل
شد با هدف واگذاری عدم موقعیت فراآیند دولت سازی در کشورهای متلاً وابسته.
یکی از نتایج مهم این کمیت، نوعی عقب ماندگی و تأخیر در کشورهای وابسته نسبت به
کشورهای دیگر وجود دارد. شاه کلید بحث آنان تأخیر (lag) بود. گفتمان
آن معارضه به تشکیل یک نظام سیاسی کارآمد به این کشورها کمک کنیم. گفتمان
می تواند کمک اطلاعاتی باشد. در دوران ریاست جمهوری کندی، توجه به مسائل
جهان سوم بیشتر شد. لکناً دولت کندی مدعی اشتاعی دموکراسی در برابر شوروی بود.
بیشترین فعالیت آمریکایی ها در این زمینه در آمریکای لاتین صورت می گرفت.
راه حل افتقاد عقب مانده از تلخ حزب، گیل سرمایه و تکنولوژی است. از این رویه این
مسائل به بارده شد.

برخی از مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته ۱- فساد سیاسی ۲- نرسیدن به یک هویت یکپارچه

حالی

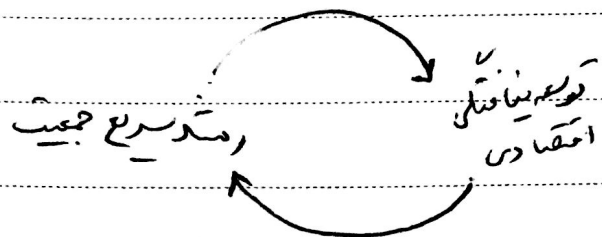
همه نظام ها بر سه گزایی به علاوه نیست تکامل گرایی در جامعه شناسی محور را تقویت کردند.

نظاً. تکامل راینده سیاسی چشم‌ه‌ارا بر روی خیلی از مسائل از جمله تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و
 بت . گفتند جامعه‌ای که توسعه‌ی باید ناخواسته دچار تحولات سیاسی می‌شود.
 می‌گفتند کشورهای در حال توسعه نظام اقتصادی در حال توسعه ولی نظام سیاسی خشک داشتند
 (lag)

توسعه‌نگد حقیقی، در همه جا فارغ از تفاوت‌های موجود اتفاق می‌افتد و... این بحث فزونی
 بود که در آن زمان رایج بود و طول کشید تا کنار گذاشته شد. البته اساس بحث مشکل بداشت
 ولی مشکل آنجا بود که تفاوت‌ها را در نظر نمی‌گرفت. لذا این تصور که همه‌ی کشورها باید لیبرال
 و مکررات شوند شکست خورد.

از جمله کسانی که تجدید نظر کرد در این فکر سنتی، هانتینگتون بود. هانتینگتون معتقد بود
 مسیر توسعه‌ی هر کشور هائیکی نیست. هماغه توسعه لزوماً حرکت روبه جلو نیست یعنی یک سری
 واکت در مسیر حرکت یک ملت وجود دارد. و می‌توان گفت توسعه‌ی سیاسی فقط مربوط عصر حاضر
 نیست بلکه در گذشته هم وجود داشته. هانتینگتون بین مفهوم توسعه و نو سازی تفاوت قائل
 شد می‌گفت نو سازی مربوط به عصر هفتی شدن است اما توسعه در همه‌ی اعمار می‌تواند باشد.
 تعریف وی از توسعه سیاسی؛ بهارینه شدن همه‌ی بخش‌ها و کارهای حکومتی مؤثر. institutionalization

میدان کشورهای رها شدند. آفریقایی‌ها همنه‌های در دیکتی در تاریخ از خود به جا گذاشت.
 لذا انو جهان دنیا به سمت آنها را مثال آنها جلب شد. می‌رسیدند چرا وقتی عبدالل‌اس هر هت
 میلیون‌ها نفر کشته باشند. از این دوره یک آگاه شکل گرفت نسبت به بی‌عدالتی‌ها
 در سراسر جهان آن روز و اینکه اکثریت درگیر سنی هستند. از طرف دیگر کشورهای
 فقیر در یک دور باطل افتادند.



جهان‌تر شدن؛ داندی جهانی شدن به واسطه رشد حارق‌العه‌ا ارجاعات وسعت پیدا کرد.

همچنان شدن، نگاه راست به توسعه تفردادن. مهره های بارش فقط ملی نیست

یعنی ما باید ملک ها و ملوک ها را مورد نظر داشته باشیم.

جهانی شدن در مورد توسعه سیاسی تأثیر گذاشته است

بررسی سیاسی و

در بین تعاریف پردازان با توجه به تفاوت های کتاب در تعاریف مختلف از نوعی سیاسی شکل گرفت.

① برای مثال برخی نویسی سیاسی را حرکت به سوی ایجاد تفاهات و ساختن معانی خاص که در جوامع

هستی امروز دنیا وجود دادی دادی بنام این هر چه این حرکت شروع شود آن کشور بیشتر

در مسرتو بعد سیاست قرار دارد. (اللہ درہ این خاکشورهای غربی است)

(۲) تعرف دہلر، دتوسہ، توسعی اقتصاد، بہترین وجہ است لذا عملاً توسعی سیاسی

ایجاد بها دهایی است که روند توسعه اقتصادی را تسریع کند. بنابراین دولت‌هایی که به رشد

مقامی کشور گدی کی توجہ مافوق رہے۔ (مثلاً اولیٰ جین)

(۳) توسعه یافتگی سیاسی مترادف با اقتدارش نفوذ دولت در زندگی اجتماعی جامعۀ مردم و تلاش

برای میل و مدتی همراهی است ~~و این امر~~ عطا می شدن چندین از بنی اجماعی

(از مدتی از تو هم از ما)

۴) برداشتی ملهم از نگاه مدرنیزاسیون و توسعه سیاسی به معنای جایگزینی الگوهای رفتار

سیاسی نوین به جای رفتارهای سیاسی سنتی. در اینجا فرزند سیاسی یکی از متغیرهای مهم است

۱۵) شاید قدیمی ترین و پایه ای ترین تعریف باشد : اساساً نوعی ساسی یعنی حرکت در سیر

ایجاد یک دولت ملی. (دولت های ملی پس از وستیالی مطیع شد به طور رسمی)

⑥ توسعه سیاسی، توسعه اداری و مقننه به منظور اقرارش کارایی نظام سیاسی، حرکت به سمت

توسعه می یابیم است (ایجاد در کنار معنای و جا انداختن قوانین و...) امرایش

لطف از طریق ایی دروگر این عقاید و کار آمد و مانند نگار و

(۷) مگر از تعارف جدید تر و برتری گردیده دوران آغاز استعمارزدایی و استقلال یافتن بسیاری

از کشورها. این ها کشورهای غنی را الله قرار دارند. اما خیلی زود این نظام ها ازاداره

به سبک جدید و اما نه در شیوه سنتی و کوربا باز هم اداره سنتی مطرح شد. از این روحانیتون
گفت: ایجاد نظم و هدایت روند گرونی اقتصادی - اجتماعی - آماره های توسعه سیاسی هستند.
دولت توسعه یافته نولته است که بتواند ثبات جامعه را حفظ کند و نذر ارد تغییرات
ثبات را بر هم نریزد.

۸) قوانین دیگر از عصاره قبل: توسعه سیاسی یعنی افزایش ظرفیت نظام سیاسی برای تحول و مواجهه
با دگرگونی اقتصادی - اجتماعی. (Capacity building)
۹) با وجود تغییرات سریع اقتصادی اجتماعی، گروه های جدیدی در جامعه ایجاد می شوند که قبلاً
نبوده اند. طبیعتاً این گروه ها مطالباتی دارند و می خواهند در دولت سهم داشته باشند. پس نظامی
توسعه یافته است که توان پاسخگویی به این مطالبات را داشته باشد.
۱۰) آن نظامی توسعه یافته است که بتواند مردم را برای رسیدن اهداف مورد پیگیری کند حال
حرم این توانایی بیشتر باشد توسعه بیشتری را میسر می آید.

توسعه سیاسی نباید از سایر جنبه های توسعه ملی جدا باشد. بنابراین نظام سیاسی باید خود را
با دگرگونی ها وفق دهد.

(آلوند - در با)

فلسفه توسعه سیاسی

مصلحت گرایی - همبستگی و پیوستگی با نظام سیاسی - روابط متباین بر اعتماد متقابل

ارجح بودن فعالیت مشارکتی

از نظر نظامی و ساختاری د (۱) ایجاد تنوع و تفکد ساختارها سه شلا در جوامع توسعه یافته

- تفکد قواعد (۲) محو شدن سیاست به نفع اقل بودن بارش

(۳) استقلال نسبتاً گزیده خیزه نظام دعا و نظارها

فرهنگ سیاسی: یکی از مهمترین عوامل توسعه نیافتگی، ندانم فرهنگ گذشته است.

لمعتبر به اماره اعتقادات و باورهای مردم است که بواسطه آن نسبت به سیاست جهت گیری کند
و آنان عینک سیاست را می بینند.

آن‌ها به نوع فرزند سیاسی را ایده‌آل می‌دانند
۱- عوامانه (داهائی)

۲-

۳-

دویم :

۱- تحرک بالایی اجتماعی در افراد می‌باشد این تحرکات باعث تحول در اعتقادات و روحیات مردم می‌شود در نتیجه مردم آماده پذیرفتن تحول‌آلودی (فشار) هستند.
۲- عامل اصلی باعث ایجاد تحرک هستند.

۱- نظام جدید آموزش و پرورش می‌خواهد باید دنیای جدید غیر از دنیای سنتی پس ذهن به سمت عقلانیت و علمی شدن متحول می‌شود.

۲- ارتباطات به خارج از محلی، خود رسانه می‌باشد تغییر ایجاد می‌کند. تکنولوژی فرزند را تغییر می‌دهد.

۳- کار کردن با ابزار جدید و مدرن و عقلانی.

هائیلون :

توسعه سیاسی، نظام سیاسی ظرفیت خود را بر حزب تأثیری نشان کشته
۱- توسعه اجتماعی و مشارکت خدام و روز آوون از مردم اقتواش می‌دهد.
۲- پنج معیار برای توسعه سیاسی ذکر می‌کند:

۱- پیچیدگی

۲- استقلال مجرای دین و سیاست هم اینی می‌کنند.

۳- انعطاف پذیری

۴- یکپارچگی به تعدد مرکز قدرت پذیرفته نیست.

۵- عمل گرایی به در تعارض شرایط عملی در کام‌های برداشته شده.

لوسین پای
چهارم و ششمی شری در تعاریف مختلف از توسعه سیاسی.
۱- اقرائین ظرفیت تعام سیاسی و تحول در لونی و حقل نبات
۲- تنوع ساختاری و تحفهی شدن.

۳- اقرائین مشارکت سیاسی به معنای دیگر شدن سطح پیشرای از مردم رسید
۴- رشد ارزش ها و ارزش ها نسبت به سیاست سنا با جابجایی توسعه یافته

ملک مدیریت ایون

پس از آغاز مطالعات توسعه، ملک مدیریت ایون باید که اول ایجاد شد. در مقابل
این ملک، ملک دایکلی ایجاد شد. ملک مدیریت ایون در دهه ۱۹۵۰ به عنوان ملک
میان رشته ای ایجاد شد. بتر مطالعات صاحب توان اعتماد، علوم سیاسی، ادیان شناسی و
جامعه شناسی بود. لذا توسعه در این ملک از یک متر و اگاهی می شد. قاده دهی ۱۹۷۶
نوشته های زیادی تولید شد. در نظریه ای خیلی تأثیر گذار بر شکل گیری مدیریت ایون،
تخریبی تکاملی در جامعه شناسی و تولیدی کارکرد گرای ساختاری بود.
قبل از این ها رویداد اعتمادی رابطی ۲ می بینم.

۱) توسعه نیامده و معنی است که کشورها به اندازه کافی سرمایه برای راه اندازی یک
۲) اقتصاد مدرن وجود ندارد و تکنولوژی هم به اندازه کافی لازم نیست

دلیل: تولید در حد معینی و مصرف سرمایه در داخل و عدم پس انداز آن (و در باطل تولید مصرف)
راه حل: اتخاذ سیاست های داخل در جهت تشویق به تولید سرمایه (داخلی) معنی در بحث
داخلی تقویت روحیه کار آفرینی [۱] مقود دولت در نقش سرمایه گذار [۲] احیای
و ورود سرمایه های خارجی به داخل کشور (خارجی) سه پیش رفتن حرجی حوزة مختلف
زنبلی اعتماد به سبب محملی و شرفی تر شدن. همه این ها نیاز به سرمایه و تکنولوژی
بود [۳] وارد کردن سرمایه و تکنیک به داخل کشور.

نظریه اقتصاد Walt Rostow

نظریه اقتصادی مدرنیسم (مقدار)

Stagnation

1. اقتصاد در حالت ایستایی (دور استایه یا سکون)

2. ✓ درصدی پیش از تحریرش $prc. take off$

3. ✓ درصدی تحریرش $take off$

4. ✓ درصدی گذار به بلوغ $drive to maturity$

5. ✓ درصدی توقف انبوه گسترده

2. شکل گیری برجسته ها - طبقه های اجتماعی و دولتی ها به عنوان سازه های اقتصادی می آیند

به خاطر دیدن الگوها توسط روستو $\rightarrow$ به تحریرش بازار و شکل گیری طبقه کارگر جدید

می شود وضعیت آموزش و فراهم شدن برای زیر ساخت ها توسط روستو - راه افتادن دانش ها

دلیلهای وضعیت بهر حال - کاهش نرخ مرگ و میر و فراهم شدن شرایط برای گذار و بهر

توسعه اقتصادی

3. در این مرحله نیاز به محرک های قوی است. این محرک می تواند یک نوآوری تکنولوژیکی باشد

یا انقلاب سیاسی و یا فراهم آمدن یک محیط حمایتی خوب. در واقع یک انگیزه قوی

برای توسعه ایجاد شود.

4. تنوع در محصولات - به لایه های سطح درآمدی - استخراج منابع طبیعی جدید

5. توسعه یافته به صورت کلی به شکل سرمایه گزاری

تأثیر از روستو $\rightarrow$ کارکردگرایی ساختاری است. معقد است بر اساس

جامعه باید ساختارها پیشرفت کند و به عبارت دیگر ساختارها تغییر کنند و کارها

کاهش شود. (بازار شدن $efficiency$)

جامعه شناسانی که توسط روستو (Neil Smelser) (اسمیلر)

اسم‌سراش را در بدنه عدم صحنه سین ساختار چهار مختلف که باید به ∞ حافظه شدن

کمد کنیم

تغییرات در ساخت اجتماع با یک شرف به سمت توسعه یافته می شود

با وجود در حیات سنتی جامعه می تواند شرف کند. مثلا بیش تر از فرد ها روشی

از پدران خود به ارث برده اند و ترجیح می دهند روش جدیدی را استفاده نکنند. لذا

این دسته از افراد بر دایره عقده بودند که باید روحیه می داد کار را کنار گذاشته شود

حاضر توسعه باید

n-ach

دیوید مک لند در این دسته تعریفی از پرداخت به نام نیاز به موفقیت (need for achievement)

گفت برخی از آن ها انگیزه موفقیت قویتری دارند. نشأ اثر بیشتری خواهند بود

لذا جوامعی که به انگیزه افراد میدان بیشتری بدهند موفق تر خواهند بود توسعه یافته تر

خواهند شد

توسعه سیاسی، گذار یک جامعه به سمت ساختار چهار کاره قدر در تعریف می شود

طبق معمول توسعه یافته ترین ها در غرب هستند. چه ویژگی های محقق سیاست ها

توسعه یافته است؟ آیا این ویژگی ها مارا قادر به تفکیک نظامات سیاسی می کنند؟

در پاسخ به این سوال ها شرد و شردان چند تقسیم بندی را ذکر کرده اند.

ویژگی های ۱- انحصار سیاست در گروه از نخبگان خاص ۲- تقیمات عقلایی ۳-

نبودن نظام کلاسه سیاسی ۴- به نوعی به مشورت ها وجود ندارد

ویژگی توسعه یافته ها: ۱- مشاوره ۲- تقیم عقلایی و ...

در فرا اینده قریب می توان توسعه سیاسی هم اهمیت شان ذکر کرد.

یکه از بنیان گذاران این مباحث جیمز کلین آنت:

نوسازها: ۱- فواید تفکیک ساختار سیاسی ۲- تقدس زردای لیستی آسین

برابری ۳- اقوامی فراتر نظام سیاسی

اقدامات طبیعت به این صورت ↓

(۱) دامنه اجتماع سیاسی گسترده شود (political community) دامنه کسانی که در

تقسیم گیری با مشارکت دارند زیاد شود

(۲) مؤثر بودن اعمال تقیعات سیاسی (کارآمدی در احوال تقیعات)

(۳) نیروی تقویدها و رکنها (توانایی دولت مرکزی در برابر سایرین)

(۴) توانایی تبلور یافتن آراء عمومی یا ناخوش بخش ها مختلف جامعه در افواج ساختارها و نهادها

غایب شدن (احزاب، اتحادیه ها و ...)

(۵) نهادینه شدن عام سازهای سیاسی (هرسبیل نباشد که سازوکار برابر تقوید گیر

وجود داشته باشد)

(۶) توان حل مسائل و مشکلات این جامعه

(۷) توان پاسخگویی و تحمل بالا

چند بحران در صورت حل شدن به نظام سیاسی لغو می زند

(۱) بحران هویت ملی (۲) سرحدت سیاسی (۳) تقوید (۴) مشارکت

(۵) یکپارچگی (۶) توزیع

(۱) هر نظام سیاسی برای ادامه وجود در سر تقوید به یک هویت سیاسی یکپارچه

نیاز دارد. هر باید صفا هفت باشند.